صادقی: راوی رنج‌های دوران خود باشیم

قطب‌الدین صادقی معتقد است خودمان باید دوران خود را روایت کنیم؛ چراکه اگر خود چنین نکنیم، دیگران رنج‌های ما را تحریف می‌کنند. دومین نشست از سلسله نشست‌های «صدای نمایش‌نامه‌نویس» به خوانش و تحلیل نمایش‌نامه «هیچ‌کس به ما سلامی نکرد» نوشته قطب‌الدین صادقی اختصاص داشت. در این نشست که شامگاه در سالن استاد جوانمرد عمارت خانه تئاتر برپا شد، قطب‌الدین صادقی توضیح داد که این نمایش‌نامه ادای دینی است به دو نسلی که در کوران حوادث اجتماعی زندگی خود را باخته‌اند. او با اشاره به داستان این نمایش که برگرفته از زندگی اشخاص واقعی در دهه ۶۰ است، ادامه داد: از نوروز سال گذشته مدام مشغول نوشتن نمایش‌نامه هستم و به اجرای این متن نیز بسیار علاقه‌مندم. صادقی که در این نمایش‌نامه زندگی یک استاد و یک دانشجوی سابق را به عنوان دو نسل دستمایه قرار داده است، درباره پرداختن به اتفاق‌ها و شخصیت‌های معاصر در این اثر نمایشی و دورشدنش از دنیای اسطوره‌ها گفت: این اواخر اغلب متن‌هایی که نوشته‌ام، متعلق به دوره معاصر است. ضمن اینکه چندین نمایش‌نامه دارم که به‌صراحت درباره این دوران سخن گفته‌اند. زمانی هم که به اسطوره‌ها می‌پردازم، جدای از مسائل امروز نیست؛ ضمن اینکه نمی‌شد با زبان اسطوره‌ها این نمایش‌نامه را نوشت. دو شخصیت این نمایش به دنیای واقعی تعلق دارند و از نزدیک آنان را می‌شناسم. این مدرس تئاتر ابراز تأسف کرد: ما دو نسل بزرگ را از دست داده‌ایم؛ دانشجویان و استادانی که از بهمن حوادث جان سالم به در نبردند. در این نمایش‌نامه از زن ایرانی یک تقدیر بزرگ داشته‌ام که با وجود همه مصائب، به عشق خود وفادار می‌ماند. صادقی با تأکید بر اینکه قصد قهرمان‌سازی ندارد، افزود: دنبال قهرمان‌سازی نبودم، بلکه می‌خواستم در بحبوحه اتفاق‌ها، ظرفیت آدم‌ها را بررسی کنم که بسیار متفاوت است. در شرایط عادی همه قهرمان هستند و رفتاری معقول دارند، ولی در کوران حوادث است که عیار آدم‌ها مشخص می‌شود. آدم‌های نمایش من قهرمان نیستند، ولی قابل احترام هستند؛ چراکه آنان زندگی خود را برای آرمان‌هایشان باخته‌اند و چیزی ارزشمندتر از زندگی نداریم. این هنرمند یادآوری کرد: اصالت در ماندن و ساختن است. ساختن سخت است و ویران‌کردن آسان. به همین دلیل فرار از مشکلات، ساده و مانند مسکنی است که درمان نمی‌کند، بلکه موقتی درد را آرام می‌کند؛ درحالی‌که ماندن و تحمل مشکلات و ساختن دشوار است. همچنان که حافظ و فردوسی ماندند و ساختند و در دوران خودمان هم مردمان منطقه هورامان با وجود تمام سختی‌ها ماندند، آنان طبیعت را ویران نکردند، بلکه آن را ساختند. او با توضیح نقش روشنفکر در هر جامعه‌ای افزود: روشنفکر کسی است که در زمان و مکان خود زندگی می‌کند و به وضعیت جامعه و زمانه خویش کاملا آگاه است. او بحران‌های اجتماع را می‌بیند و به مردم نیز کمک می‌کند تا این بحران‌ها را ببینند. بزرگ‌ترین کار یک روشنفکر، این است که مردم را برای گذر از این بحران‌ها یاری کند. صادقی همچنین با اشاره به نقش هنرمند ادامه داد: هنرمند نه پیامبر است و نه ایدئولوگ یا تئوریسین اجتماعی، بلکه کار او روایت صادقانه بحران‌های اجتماع در آثار خویش است. این کارگردان و پژوهشگر تئاتر در پاسخ به پرسشی درباره پایان تراژیک نمایش‌نامه‌اش گفت: دیدگاهم درباره هنر و جهان، تراژیک است. معتقدم تماشاگر را باید با یک درد به خانه فرستاد تا تأثیرگذاری درام بیشتر شود. این نمایش‌نامه‌نویس در پاسخ به پرسشی دیگر درباره سبک نگارش نمایش‌نامه‌هایش توضیح داد: هرگز کلاس نمایش‌نامه‌نویسی نرفته‌ام. هرچه آموخته‌ام از خواندن نمایش‌نامه‌های شکسپیر و آثار یونان باستان است که همه اینها از بحران‌های دوره خود می‌گویند. تنها با خواندن آثار بزرگ می‌توان نمایش‌نامه نوشت. در درام ایجاز بسیار مهم است و هیچ دیالوگی نیست که صرفا توصیفی باشد، بلکه هر دیالوگ یا باید نکته‌ای درونی را توضیح بدهد یا درام را یک گام به جلو ببرد. چیزی که در درام‌نویسی به آن توجه دارم و آن را به شکسپیر وامدارم، این است که هر جمله یک تصویر است و پیش از مفهوم، تصویر به سمت مخاطب می‌رود. این نشست به کوشش انجمن صنفی نمایش‌نامه‌نویسان و مترجمان تئاتر و با اجرای بهزاد صدیقی برگزار شد.

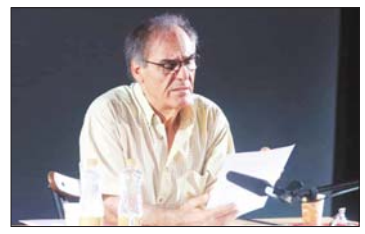

گفت‌وگو با فائزه عزیزخانی درباره شرایط ساخت فیلم‌های اجتماعی

نامتعارف عمل‌کردن در جهان سینما گاهی ناممکن است

شرق: فیلم «ملخ» دومین ساخته بلند فائزه عزیزخانی مدتی قبل در بخش ویژه «تولدی دیگر: سینمای ایران اینجا و اکنون» در پنجاه‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی کارلووی واری به نمایش گذاشته شد. فیلمی که پیش از این در جشنواره‌های متعددی از جمله جنوب از جنوب غربی (ایالات متحده)، ادینبورو (اسکاتلند)، اسپلیت (کرواسی)، ونکوور (کانادا)، سائوپائولو (برزیل)، فیلم‌های مستقل سان‌فرانسیسکو (ایالات متحده)، فیلم‌های ایرانی در موزه اسمیتسونین-واشنگتن (ایالات متحده)، نظرگاهی دیگر جشنواره فیلم‌های زنان میلان (ایتالیا)، جشنواره فیلم فینیکس (ایالات متحده) و بزرگداشت سینمای ایران در دانشگاه یوسی‌ال‌ای (ایالات متحده)، حضور داشته است. «ملخ» هنوز در ایران به نمایش گذاشته نشده است. فیلم روایتگر زنی ورشکسته است که برای بازیابی هویتش تلاش می‌کند. این فیلم تا مدتی دیگر در جشنواره فیلم رجینا (ریفا) کانادا نمایش داده خواهد شد. به همین بهانه درباره روند ساخت فیلم اجتماعی در سینمای ایران و سفرهای جشنواره‌ای فیلم «ملخ» با فائزه عزیزخانی گفت‌وگویی داشتیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

◆ «ملخ» تا به امروز در جشنواره‌های خارجی بسیاری شرکت کرده و دیده شده است. فیلمی که هنوز به اکران عمومی در ایران نرسیده، اما مثل باقی آثار سال‌های اخیر سینمای ایران که به سینمای اجتماعی شهرت دارد، تا به اینجا برای جشنواره‌ها و مخاطبان خارجی توجه‌برانگیز بوده است. «ملخ» چطور ساخته شد؟

«ملخ» قصه باختن دوباره یک آدم همیشه بازنده است که اصلا بی‌ربط به قصه فیلم‌ساختن‌های ما نیست. چند بار یک ساختمان را تا نیمه بالا می‌بریم و بعد به یک بهانه ساده فرومی‌ریزد و ما حیران و متعجب از عمر، عشق، اعتبار، انگیزه و نیرویی که رفت... . منظورم مشخصا پروسه تولید است. من فیلم‌نامه‌ای نامتعارف داشتم به نام «ملخ». منیژه حکمت فیلم‌نامه را خواند و دوست داشت، پس با شهامت کنار یک فیلم متفاوت ایستاد و آن را ساختیم. به نظرم او یکی از زن‌های صاحب‌نظر و جسور سینمای ماست. نامتعارف عمل‌کردن در جهان سینما به‌طور کلی بسیار سخت و پیچیده و گاهی ناممکن اما بسیار واجب است. در دوره‌ای که اکثر فیلم‌ها یا کمدی است یا رونوشتی از فیلم‌های موفق سینمای اجتماعی، حرکت‌کردن در مسیری متفاوت، قطعا ریسک‌پذیری بالایی می‌خواهد. مخاطبی که سینما برایش موضوعی جدی و مهم است، از این همه تکرار به ستوه آمده و چه در سینما و چه در زندگی دنبال یک فریم جدید می‌رود.

امروز معتقدم ما قصه‌های تازه زیادی برای تعریف‌کردن داریم و بهانه‌ای برای چسبیدن به تکراری‌ها نداریم. مگر تکراری‌ها بیشتر سود داشته باشند؛ وگرنه زمان طرح نو درانداختن است و این توقع از اهلش وجود دارد. امروز آدم‌ها توان ارتباطی‌شان صد برابر شده؛ در نتیجه سلیقه و توقعشان با قبل قابل مقایسه نیست. مخاطبان امروز سینما باهوش هستند و به واسطه سوشیال‌مدیا دنیای اطرافشان را خوب می‌شناسند و دانش زیادی دارند. به‌عنوان فیلم‌ساز باید به این موضوعات دقت کرد. به همین دلایل موضوعات شایان بحث بسیاری اطرافمان وجود دارد. سطح ارتباط آدم‌ها تغییر کرده و چالش‌های جدیدی ایجاد شده است. البته همه اینها در صورتی است که قرار باشد به زندگی نگاه کنیم و بر اساس آن فیلم بسازیم، نه از روی دست هم تقلب کنیم.

◆ به نظر می‌رسد در حال حاضر شرایط برای ساخت فیلم‌های اجتماعی سخت‌تر شده و به گفته برخی از کارشناسان سینما، این روند جلوی بروز خلاقیت‌ها را می‌گیرد و آدم‌های علاقه‌مند به این نوع سینما نمی‌توانند آن‌طورکه باید در این حیطه کار کنند. به‌عنوان فیلم‌سازی که علاقه‌مند به ساخت فیلم در چنین فضایی است، این شرایط را چطور تحلیل می‌کنید؟

من ناامید نمی‌شوم. من به انسان خلاق ایمان دارم. خلاقیت مثل گیاهی است که در سخت‌ترین شرایط جوانه می‌زند و زنده می‌ماند. درست است که ما شرایط سختی داریم، اما من ناامید نمی‌شوم و ایمان دارم موجی بسیار قوی، خلاق و آزاداندیش در راه است. فصل، فصل نگاه آزاد و خلاق است. به نظرم پشت خلاقیت خداوند ایستاده و این تمام داستان است. برای مثال در بهترین شرایط تولید، اگر اصراری بر نگاه خاصی نباشد، اینکه ما هنوز مورد این رهنمود قرار می‌گیریم که از سینمای هالیوود الگوبرداری کنیم و در مسیر موفقیت تجاری آن دوستان که خودشان دنبال راهی برای فرار از این همه تکرار هستند، قرار بگیریم، خود نشان از یک دوگانگی وحشتناک دارد که یکی از دلایل فشار و رکود در بخش فرهنگی ماست که توضیح و آسیب‌شناسی آن به درازا می‌کشد و ما به همین بسنده کنیم. باید توجه داشت نسل جدید بیش از هر چیزی به رسانه مرتبط است و این اتفاقا شانس بزرگی برای اهالی سینماست که باید آن را جدی بگیریم؛ به‌خصوص که ما سینمایی داریم که بارها افتخارآفرین بوده و در دنیا شناخته‌شده است و می‌توان همچنان از طریق این سینما با جهان در ارتباط بود و این پتانسیلی است که باید به قدرتمندترشدن آن کمک کرد، نه اینکه تیشه به ریشه‌اش بزنیم.

◆ تجربه دیدن فیلم با مخاطبان خارجی در این مدت چطور بود؟

متأسفم که ما محروم شدیم از داشتن روند روبه‌رشدی در سلیقه در سینما. سلیقه ما با برنامه‌های کاملا در چارچوب و کنترل‌شده این تلویزیون نابود شد. ما امروز سلیقه خاصی نداریم. به نسبت رشد نکردیم و به واسطه این همه کج‌سلیقگی، حتی نزول کردیم. در هر صورت ما به‌روز نشدیم و چندان تمایلی هم به آن نداریم. اما در چشم مخاطب خارجی می‌بینی که کاملا به‌روز کتاب خوانده و فیلم دیده و سلیقه‌اش به‌روز است و ربطی هم به سن‌وسال ندارد. مخاطب درست، قبل از هر چیز صبر، احترام و تأمل بلد است؛ چیزی که این روزها خودم و دنیای اطرافم فاقد آن هستیم. ما عادت داریم زود نتیجه بگیریم و قضاوت کنیم و پرونده چیزی را ببندیم. به‌سرعت چند مورد منفی پیدا می‌کنیم و احساس قدرت می‌کنیم. انگار این چشم‌ها تربیت شده برای اینکه منتقد تند و سطحی باشد و هیچ احساس وحدتی نداشته باشد. مخاطب خارجی با ما تفاوت دارد. از او صبوری می‌بینید.

تجربه اخیر من در کارلووی واری و دیدن فیلم با مخاطب خارجی جالب بود. با اینکه فیلم پردیالوگ است و زیرنویس می‌خواندند، جنس ارتباطشان با فیلم دوست‌داشتنی بود و همراهی خوبی داشتند. «ملخ» در بخش نگاه نو جشنواره کارلووی واری شرکت داشت؛ بخشی که جشنواره چهار سال سینمای ایران را مانیتور کرده بود و این فیلم‌ها را انتخاب کرده بود. رویکرد آنها نگاه متفاوت به روایت و فرم بود.

◆ سینماگران زن بسیاری در سینمای ایران تا به امروز به‌واسطه ساخته‌هایشان افتخارآفرین شده‌اند. فکر می‌کنید ویژگی‌های فیلمی که خالقش یک زن است، چیست؟

ظرافت، عشق، حسرت، ایمان و... این ویژگی‌های اثری است که خالقش یک زن است. چالش یک زن به‌عنوان فیلم‌ساز به‌مراتب بزرگ‌تر و عمیق‌تر است.

از اینکه در دنیایی زندگی می‌کنم که موجودی این‌قدر ظریف، عمیق، قوی و شکننده را با نگاهی مادرانه حتی وقتی هنوز مادر فرزند خودش نیست، می‌بینم حیرت می‌کنم.

بیوک میرزایی:

مردم سریال‌های تلویزیون را نگاه نمی‌کنند

بیوک میرزایی، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون، درباره تازه‌ترین فعالیت‌های خود گفت: در شرایط فعلی بیشتر در رادیو مشغول به قصه‌گویی هستم. تا چند روز دیگر هم نقش‌آفرینی‌ام در یک سریال به نام «دامون» آغاز می‌شود که برای آن باید عازم شمال بشوم. او درباره حضور پررنگ‌تر خود در تلویزیون به نسبت کارهای سینمایی ادامه داد: در سینما اگر پیشنهادی باشد، قبول می‌کنم؛ اما این روزها حضورم در تلویزیون هم کم‌رنگ شده است. در شرایط فعلی حس می‌کنم کارها دیگر جذابیت سابق را ندارد و به‌همین‌دلیل آدم کارنکردن را ترجیح می‌دهد! به‌همین‌دلیل این روزها بیشتر سراغ کارهای رادیویی می‌روم و در تلویزیون هم اگر کار مناسب و خوبی پیشنهاد شود، بازی می‌کنم. میرزایی افزود: آن‌قدر کارهای الکی و بی‌کیفیت پیشنهاد می‌شود که حتی با وجود نیاز مالی هم آدم نمی‌تواند حضور در آنها را قبول کند. واقعیت این است که معاش آدم از طریق کار در رادیو هم تأمین نمی‌شود و به‌همین‌دلیل گاهی هم مجبور می‌شویم کارهایی را که از نظرمان چندان ایدئال نیستند، قبول کنیم و در آنها کار کنیم.

درآمد یک بار میهمان‌شدن در تلویزیون بیشتر از یک ماه کار در رادیو است!

این بازیگر پیش‌کسوت ادامه داد: واقعا دستمزدهایی که در رادیو می‌دهند، قابل قیاس با کار در تلویزیون نیست. اگر به صورت شبانه‌روزی هم در رادیو کار کنید، سر ماه چهار تا پنج میلیون تومان پول به شما می‌دهند؛ اما با یک حضور چنددقیقه‌ای به‌عنوان میهمان در یک برنامه تلویزیونی می‌توانید همین پنج تا ۱۰ میلیون تومان را دریافت کنید! درباره حضور در فیلم‌ها و سریال‌ها که دیگر شرایط فرق می‌کند و قرارداد عقد می‌شود؛ اما می‌خواهم بگویم حتی حضور به‌عنوان میهمان در تلویزیون هم عایدی بیشتری نسبت به کار در رادیو دارد و درآمدش زمین تا آسمان فرق می‌کند.

او درباره علاقه خود برای نقش‌آفرینی در فیلم‌های سینمایی هم گفت: احساس من این است که کارهای سینمایی هم گرفتار باندبازی است و هرکس گروه خودش را دارد. همین الان اگر رصد کنید، می‌بینید ۸ الی ۱۰ نفر بازیگر هستند که در همه فیلم‌ها حضور دارند. اینها ارتباطاتی شبه‌مافیایی براساس رفاقت‌ها و دوستی‌های خود در سینما دارند و با زدوبند در فیلم‌ها حضور پیدا می‌کنند و به‌راحتی به دیگران فضای کار نمی‌دهند. حتی اگر بخواهند با این شرایط ما را به یک کار راه بدهند، صورت خوبی ندارد و به‌همین‌دلیل ترجیح می‌دهیم کار نکنیم. میرزایی ادامه داد: امروز کار اصلی در دست تولیدات شبکه خانگی است که هم توزیع بهتری دارند و هم دستمزدهای بهتری می‌دهند؛ اما تولیدات تلویزیونی، هم پول خوبی نمی‌دهند و هم متن‌های خوبی ندارند. همین روزها به صورت روزانه سه الی چهار سریال از تلویزیون پخش می‌شود؛ اما مردم آنها را نگاه نمی‌کنند. انگار قصه‌های این سریال‌ها هیچ اوج و فرودی ندارد و دنبال‌کردن آن جذابیتی برای مخاطب ندارد. او افزود: زمانی بود که وقتی تلویزیون سریالی را پخش می‌کرد، همه خیابان‌ها خلوت می‌شد؛ اما آیا واقعا امروز هم این‌گونه است؟ امروز به نظر می‌رسد حتی مخاطبان محصولات شبکه نمایش خانگی بیشتر از تلویزیون شده‌اند. درست است که هنوز هم عده‌ای از مردم تلویزیون را تماشا می‌کنند؛ اما بپذیریم که شرایط امروز، آن شرایط گذشته نیست. می‌گویند دستمزد فلان بازیگر میلیاردی است؛ اما ۲۰۰ میلیون هم نمی‌گیرد! این بازیگر باسابقه درباره تفاوت دستمزد هنرمندان پیش‌کسوت، در مقایسه با جوان‌ترها هم توضیح داد: بالاخره در هر کشوری، عده‌ای از هنرمندان حکم سلبریتی را دارند و به تعبیری سوپراستار خطاب می‌شوند؛ اما در کنار این موضوع، موارد دیگری را هم ما در پروژه‌های خودمان شاهد هستیم. برخی از این بازیگران جوان، اسپانسرهای گردن‌کلفتی را پشت خود دارند. حتی برخی از آنها قرار و مدار می‌گذارند که مثلا در فضای رسانه اعلام شود فلان بازیگر دستمزد میلیاردی گرفته است؛ اما تهیه‌کننده بیش از ۲۰۰ میلیون تومان به او نمی‌دهد! بالاخره یک فیلم باید فروش هم داشته باشد تا سرمایه‌گذار به سود برسد. او ادامه داد: خیلی از افراد از سامانه شبکه خانگی، امروز از طریق تبلیغات پول‌های کلانی به دست می‌آورند و اگر این درآمدهای تبلیغاتی را نداشتند که نمی‌توانستند چنین دستمزدهایی بدهند؛ اما در تولیدات تلویزیونی معمولا اسپانسر وجود ندارد و اگر هم باشد، پولش معمولا به بازیگران و عوامل نمی‌رسد. به همین دلیل است که تولیدات شبکه نمایش خانگی، بخش عظیمی از درآمد خود را موکول به تبلیغات کرده‌اند و بابت آن هم پول خوبی می‌گیرند. این بازیگر باسابقه درباره واکنش‌های مخاطبان در کوچه و خیابان و اینکه بیشتر با صدایش او را می‌شناسند یا با چهره‌اش، گفت: مردم هم صدای من را می‌شناسند و هم چهره‌ام را. گاهی به مناطقی می‌روم که فکر نمی‌کنید اصلا رادیو یا تلویزیون داشته باشند؛ اما باز هم اظهار لطف می‌کنند. اتفاقا همین اظهار لطف مردم است که ما را نگه داشته است؛ وگرنه که این طرف دیگر خبری نیست! گاهی مردم فکر می‌کنند هنرمندان پول‌های آن‌چنانی می‌گیرند و زندگی آن‌چنانی دارند؛ ولی واقعیت این است که این‌گونه نیست. او افزود: من بیش از ۴۰ سال است که در رادیو در برنامه‌هایی مثل صبح جمعه با شما حضور داشته‌ام و در بسیاری از فیلم‌هایی هم که ایفای نقش کرده‌ام، خودم به جای خودم صحبت کرده‌ام و صداپیشه نداشته‌ام. به‌همین‌دلیل خیلی از مردم از طریق صدا هم من را می‌شناسند و به بنده ابراز محبت دارند. همیشه هم نهایت تلاش‌مان را می‌کنیم که کارهای‌مان مورد رضایت مردم باشد.

مثل برخی هنرمندان فرصت‌طلب نیستم

میرزایی ادامه داد: گاهی هستند هنرمندانی که فرصت‌طلبی و سوءاستفاده از اعتبارشان می‌کنند و مردم هم به آنها ناسزا می‌گویند؛ اما شخصا تلاش کرده‌ام این‌گونه نباشم و همواره بر مبنای رسالت هنری‌ام کار کنم. به زبان ساده نانم را به نرخ روز نمی‌خورم. مردم هم به‌خوبی این مسائل را تشخیص می‌دهند. گاهی آدم تعجب می‌کند که یک کارگر پمپ بنزین یا یک راننده، چقدر خوب کارهای ما را تجزیه و تحلیل می‌کند. همین مسئله هم سبب می‌شود ما همواره تلاش کنیم به‌درستی کار کنیم. اگر درست کار نکنی، ملت دیگر جواب سلامت را هم نمی‌دهند! این بازیگر باسابقه درباره خاطرات خود از مواجهه‌های مردم با خود، گفت: مردم همواره به ما لطف دارند. گاهی پیش آمده که یک راننده تاکسی سوارم کرده و در تمام طول مسیر با خودش دو به شک بوده که این آدم کیست؟! بعد به هر جایی که می‌رسم، باز ادامه مسیر را می‌پرسد و من را می‌رساند. آخر سر که آدرسم به خیابان جام‌جم و صداوسیما می‌رسد، تازه دوزاری‌اش می‌افتد که ای بابا تو همان هنرپیشه معروف هستی! (می‌خندد). او افزود: به‌صراحت می‌گویم که هیچ دری به روی من بسته نیست. خیلی‌ها شاید مولتی‌میلیاردر باشند؛ اما هر جایی آنها را راه نمی‌دهند؛ اما ما شکر خدا آبرو و اعتباری داریم که خیلی از درها به رویمان باز می‌شود. همواره هم تلاش کرده‌ام از همین اعتبارم برای گره‌گشایی از کار مردم استفاده کنم. ما زمانی از کارمان لذت می‌بریم که رضایت مردم هم در کنارش باشد. میرزایی درباره معروف‌ترین نقش‌آفرینی‌های خود در نگاه مردم هم گفت: من سریال‌های تلویزیونی زیادی داشتم، از «گم‌گشته» که با آتیلا پسیانی کار کرده بودیم تا «پهلوانان نمی‌میرند»، «کلاه پهلوی»، «باغ گیلاس» و «مدار صفر درجه». از همه اینها مردم خاطره دارند و اینها همه سریال‌های پرمخاطبی بوده‌اند. در موقعیت‌های مختلف مردم به ما ابراز لطف دارند و گاهی حتی به‌صراحت می‌گویند شما بازیگران قدیمی، یک چیز دیگر بودید!

منبع: مهر

اخبار

اصغر فرهادی در لس‌آنجلس فیلم می‌سازد

ایسنا: اصغر فرهادی دهمین ساخته بلند خود را در لس‌آنجلس آمریکا و احتمالا پس از پایان اعتصابات در هالیوود مقابل دوربین می‌برد. نشریه ورلد آو ریل در مطلبی کوتاه گزارش داد اصغر فرهادی، فیلم‌ساز ایرانی که با ساخت آثاری همچون «درباره الی»، «جدایی»، «گذشته»، «فروشنده» و «قهرمان» به‌راحتی نام خود را در فهرست فیلم‌سازان مدرن در سطح جهانی ثبت کرده است، فیلم بعدی‌اش را در لس‌آنجلس و پس از اعتصاب تولید می‌کند. این اولین فیلم آمریکایی فرهادی پس از کارگردانی پروژه‌هایی در فرانسه، اسپانیا و زادگاهش ایران خواهد بود. جزئیات داستان درباره جدیدترین اثر فرهادی مخفی نگه داشته شده که قرار است دهمین فیلم بلند حرفه‌ای این کارگردان باشد. «قهرمان» آخرین فیلم فرهادی محصول ۲۰۲۱ بود که جایزه بزرگ جشنواره فیلم کن را از آن خود کرد.

«تام و جری» آسیایی می‌شود

«تام و جری» که به‌عنوان یکی از نمادین‌ترین انیمیشن‌های تاریخ شناخته می‌شود، در سری جدید بومی‌سازی می‌شود تا مخاطبان آسیای جنوب شرقی را بیشتر با خود همراه کند. این موش و گربه در یک مجموعه کوتاه هفت‌قسمتی سه‌دقیقه‌ای که در استودیوی مستقر در سنگاپور و با همکاری گروه انیمیشن کمپانی برادران وارنر تولید شده است، به خیابان‌ها، ساختمان‌ها و مکان‌های شهری سنگاپور می‌روند. یک اپیزود آزمایشی از این مجموعه ماه آگوست (مرداد-شهریور) پخش خواهد شد. این سریال اواخر امسال از طریق «شبکه کارتون» در آسیا و اقیانوسیه و از طریق پلتفرم برادران وارنر دیسکاوری در جنوب شرقی آسیا، تایوان و هنگ‌کنگ پخش می‌شود و سپس در سطح بین‌المللی دیده خواهد شد. در این مجموعه موسیقی و سبک انیمیشن کلاسیک دوران هانا-باربرا در دهه ۱۹۵۰ به کار گرفته شده، ولی فضای آن، فضای مدرن سنگاپور است که مراکز دیدنی آن به پس‌زمینه‌های اثر طنزآمیزی با مرکزیت تام و جری بدل شده است. ویشنو آتریا، معاون ارشد انیمیشن برادران وارنر و استودیوی کارتون نت‌ورک گفت: تام و جری دو چهره از محبوب‌ترین شخصیت‌های ما هستند که ثابت می‌کنند خنده می‌تواند برای هر مخاطبی ترجمه شود. طرفداران در آسیا مدت‌هاست این شخصیت‌ها را پذیرفته‌اند و خیلی خوب است که در نهایت نسخه‌ای به آنها بدهیم تا آن را مال خودشان بدانند. داستان و تولید این مجموعه توسط کمپانی سنگاپوری شکل می‌گیرد. در همین حال، برنامه‌هایی برای عرضه محصولاتی از برند تام و جری برای تکمیل این مجموعه تا اواخر امسال پیش‌بینی شده است. «تام و جری» یکی از فرنچایزهای برادران وارنر دیسکاوری است که ۵۰ میلیون دنبال‌کننده در سطح اجتماعی جهانی دارد و تقریبا ۳۰ میلیارد دقیقه از آن در کانال یوتیوب برادران وارنر تماشا شده است. در طول ۸۳ سال، بیش از ۵۰۰ قسمت و ۱۵ فیلم از این کارتون ساخته شده که برنده هفت جایزه اسکار شده است.

«کاپولا»: در آستانه یک عصر طلایی هستیم

ایسنا: «فرانسیس فورد کاپولا» فیلم‌ساز ۸۴ساله آمریکایی، موفقیت دو فیلم «باربی» و «اوپنهایمر» را «پیروزی سینما» توصیف کرد.

موفقیت دو فیلم «باربی» ساخته «گرتا گرویگ» و «اوپنهایمر» به کارگردانی «کریستوفر نولان» هر دو بسیار فراتر از حد انتظار بوده و این رکوردشکنی با تمجید «فرانسیس فورد کاپولا» فیلم‌ساز برجسته آمریکایی همراه شده است. کارگردان «پدرخوانده» در صفحه اجتماعی خود در پاسخ به پرسش کاربران درباره این دو فیلم موفق این روزهای سینمای جهان نوشت: «من هنوز آنها را ندیده‌ام، اما این واقعیت که مردم سالن‌های بزرگ را برای دیدنشان پر می‌کنند و نه این فیلم‌ها دنباله‌ای هستند و نه پیش‌درآمدی و هیچ عددی به آنها ضمیمه نمی‌شود، یعنی منحصربه‌فرد هستند و این یک پیروزی برای سینماست». فیلم‌های «باربی» و «اوپنهایمر» در فروش افتتاحیه آخر هفته خود از ۲۱ تا ۲۳ جولای فراتر از پیش‌بینی‌ها عمل کردند. ساخته فانتزی «گرویگ» نه‌تنها یکی از برترین فروش‌های آغازین از زمان همه‌گیری را رقم زد، بلکه رکورد بزرگ‌ترین فروش افتتاحیه یک کارگردان زن را نیز شکست. «اوپنهایمر» ساخته «نولان» نیز عنوان سومین افتتاحیه بزرگ یک فیلم بیوگرافیک در آمریکای شمالی را به نام خود ثبت کرد. «کاپولا» پیش از این درباره بیزاری خود از دنباله‌ها، پیش‌درآمدها و به‌طور کلی صنعت سینمای مدرن به‌صراحت صحبت کرده بود. اگرچه او خالق سه‌گانه «پدرخوانده» است، اما این کارگردان و تهیه‌کننده از طرفداران آثار مارول و سری فیلم‌های سینمایی آن نیست. او در سال ۲۰۲۲ در مصاحبه‌ای با مجله «GQ» گفت: «پیش‌تر فیلم‌های استودیویی وجود داشت. اکنون فیلم‌های مارول وجود دارد. فیلم مارول چیست؟ یک فیلم مارول یک نمونه اولیه فیلم است که بارها و بارها و بارها ساخته می‌شود تا متفاوت به نظر برسد». این کارگردان برنده اسکار که بیش از پنج دهه در صنعت سینما فعال بوده و نحوه تغییر مدیوم را در طول سال‌ها شاهد بوده است، در پاسخ به یکی از کاربران صفحه مجازی خود درباره آینده سینما در ۱۰ سال آینده، تنها ابراز امیدواری کرد و گفت: «تصور من این است که ما در آستانه یک عصر طلایی هستیم و سینمای شگفت‌انگیز و روشنگر در سالن‌های بزرگ دیده می‌شود». «مگالوپولیس» جدیدترین پروژه سینمایی «فرانسیس فورد کاپولا» است که فیلم‌برداری آن ۳۰ مارس ۲۰۲۳ به پایان رسید و اکنون در مرحله پساتولید قرار دارد.

«مگالوپولیس» پروژه‌ای است که «کاپولا» مدت‌زمانی طولانی در پی ساخت آن بود. در نهایت پاییز ۲۰۲۱ اعلام شد این فیلم با هزینه شخصی ۱۲۰ میلیون دلاری «کاپولا» مقابل دوربین می‌رود؛ از منابع مالی‌ای که کارگردان «پدرخوانده» از فروش املاک محبوبش در کالیفرنیای شمالی به دست آورده است.